

متن پرسش

با سلام خدمت استاد ارجمند: با اینکه سوالات معرفتی زیادی برای مطرح کردن دارم ولی در سوال شماره ۳۸۳۰۹ اینقدر با این جوان عزیز ۲۰ ساله احساس همدردی و حس مشترک دارم که نمی‌توانم از آن عبور کنم و از طرفی حل مشکلات این چینی از جوان امروز ما را از مسائلی می‌دانم که به قول دکتر شریعتی «اگر دین برای این رنج‌ها و پریشانی‌های انسان مواجه با مدرنیته پاسخ درستی نداشته باشد از جامعه امروز فاصله گرفته است» و چه بسا همین امر موجب فاصله گرفتن جوان امروز ما از دیانت و دایره شریعت می‌شود چراکه مشکلاتی این چنین با اگزیزستانس جوان ما مرتبط است و رنجی ست که هر روز با آن دست و پنجه نرم می‌کند و به نظر بنده حل و یا التیام دردها و رنج‌های این چینی از حل صد مسئله معرفتی برای او مهمتر است و به او کمک می‌کند که در راه تدین بماند. بنده ۴۳ سال دارم و ۱۳ سالی ست که ازدواج کرده‌ام ولی به خوبی به یاد دارم که از سن ۱۵ سالی تا ازدواج با همین درد و رنج‌ها کلنجار می‌رفتم. نه شرایط ازدواج را داشتم و نه در شأن خود می‌دیدم که مثل بعضی هم سن و سالان خود رابطه‌ی با دختران هم سن خود داشته باشم و نه تن به صیغه موقت می‌دادم چون از نظر اخلاقی نمی‌توانستم به صرف حل مسئله جنسی تن به رابطه با زنی بدهم که با او قصد زندگی ندارم. روزگاری شاید همه چیز سر جای خود بود و زندگی با حفظ دستورات شرعی خیلی آسانتر بود از زندگی بر خلاف احکام شرعی. جوان نسل قدیم قبل از آنکه از مسائل جنسی و جنس مخالف چیزی بداند ازدواج می‌کرد و بعد از آن محبت و عشقی بود که در حین زندگی به وجود می‌آمد که ماندگارتر هم بود. ولی امروزه همه چیز وارونه شده و جوان امروزی سالها قبل ازدواج همه چیز را در مورد مسائل جنسی و جنس مخالف می‌داند و حتی اگر بخواهد پرهیزگار باشد روزانه از طریق فضای مجازی و حتی افراد جامعه ناخواسته در معرض انواع حملات تحریک جنسی قرار می‌گیرد. یعنی اگر بخواهد در معرض ابتلا به گناه نباشد باید برود و گوشه عزلت‌گزیند و یا از نوجوانی در صومعه‌ای زندگی کند تا چشم و گوش بسته باشد و بتواند خود را از ارتکاب به گناه پاک نگه دارد که این بر خلاف توصیه دین اسلام که دینی اجتماعی ست می‌باشد. اگر هم بخواهد عجله کند و بدون شناخت صحیح و داشتن حداقل شرایط ازدواج کند هم خود را و هم شریک زندگی خود را بدبخت می‌کند. لذا اینطور به نظر می‌رسد که ما متأسفانه پاسخ و راه حل منطقی و مناسبی برای این دردها و رنج‌های جوانان نداریم. مهم این است که این جوان عزیز ما بداند که او در این رنج‌ها تنها نیست و خیلی‌ها در این روزگار با روحيات ایشان با این رنج‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند و نباید احساس گناه بکند، شاید این شرایط موقعیتی برای او باشد که بتواند زهد و مجاهدت با نفس را تمرین کند

البته بدون اینکه فشار زیاد از حد خدای ناکرده باعث بیماری او شود. چون بعد از ازدواج موقعیت حالا را ندارد که بتواند مبارزه با نفس و تسلط بر خود را در خصوص میل جنسی تمرین و تقویت کند. و این را بداند که خداوند عادل است و انسانها را بر حسب شرایط آنها قضاوت می کند و بر طبق آیه شریفه قرآن، خدا انسان را تکلیف فوق طاقت نمی کند. و ما چه می دانیم، شاید آن جوانی که در این روزگار سخت و پیچیده با خلوص نیت پا در مسیر زندگی دینی گذاشته، هرچند لغزشهایی و گناهی هم در این مسیر داشته باشد ولی در نزد خدا مقامش خیلی بالاتر از آن جوانی باشد که در نسل گذشته زیسته و زود ازدواج کرده و چون در معرض فضای مجازی و فساد در اجتماع و مبتلا شدن به گناه قرار نگرفته لذا در این خصوص گناهی هم مرتکب نشده و وقتی خود را با جوان امروزی مقایسه می کند تصویری طیب و طاهر از خود دارد و دچار خودستایی و عجب است که به نظر این حقیر زیاد هم هنری نکرده است. خواستم در رابطه با این موضوع و عدل الهی در مورد سرزدن بعضی گناهان از انسان و نوع قضاوت الهی جویای نظر استاد بزرگوارمان شده باشم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همان طور که می فرمایید: «این شرایط موقعیتی برای او باشد که بتواند زهد و مجاهدت با نفس را تمرین کند» و در این رابطه به آیه ۳۲ سوره نور اشاره شد و حقیقتاً این نوع حضور نیاز به مجاهده دارد. ولی به حکم آخر آن آیه که عرض شد ارزش خود را دارا می باشد. موفق باشید